

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد
۲۲ نومبر ۲۰۲۰

فساد فراگیر نظام و زندگی مردم

صدمات وارده به جامعه و به مردم از سوی عناصر و دم و دستگاه‌های امپریالیستی در ایران، قابل توصیف نیست. در غارت اموال عمومی، خرابی‌ها و زیر و رو کردن جامعه و زندگی مردم پایانی نیست. سران حکومت به یمن سلاح و ارگان‌های سرکوب، ثروت‌های جامعه را به یغما برده‌اند و آرامش ابتدائی را از مردم گرفته‌اند. سرقت منابع طبیعی و به خصوص تعرض روزمره به باقی‌مانده سفره ناچیز میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش، به مدت و به سیاست معمول حکومت‌مداران و دولت‌مداران تبدیل شده است. جامعه ایران از هر سو در معرض تخریب و تباهی است و به دنبال بیگانه بودن امنیت را براحتی می‌شود در خیابان‌ها، در میادین استثمار، در اماکن عمومی و تحصیلی به عینه دید. یورش سازمانیافته به تحتانی‌ترین قشر جامعه همچون دست‌فروش‌ها توسط حافظان سرمایه هر ساعته است. کار نیست و مردم برای تهیه نیازهای اولیه زندگی شان به کارهای کاذب و ناخواسته ای همچون گل‌فروشی، آدامس‌فروشی و نظایر آن‌ها روی آورده‌اند. سوی دیگر قضیه یعنی سرمایه‌داران و دار و دسته‌های وابسته شان سوار بر ثروت و منابع طبیعی جامعه‌اند و با غصب زمین‌های مردم و تلنبار کردن ثروت عمومی، به زندگی میکربی شان ادامه می‌دهند. بدون کمترین ابهامی می‌شود گفت که یگانه دغدغه سران حکومت و دم و دستگاه‌های ذیربط شان، دزدی دارائی‌های جامعه و نیز تعرض به زندگانی مردم است.

البته - و بنابه گفته «خمینی» - قرار نبود مردم به کارتن‌خوابی روی آورند، بلکه قرار بر این بود تا مردم ایران - و بعد از برکناری رژیم سلطنتی از اریکه قدرت - صاحب مسکن شوند!! به همین علت نهادهائی همچون بنیاد مسکن و بنیاد مستضعفان را راه اندازی کرده‌اند تا به امورات زیستی و به بی‌پناهی مردم پاسخ دهند!! اما این بنیادهای به اصطلاح مردمی، برای غارت زمین‌ها و خانه‌های مردم گوی سبقت را از هم‌دیگر ربوده‌اند و آنقدر اشتیاق به دزدی و غارت ثروت‌های جامعه از جانب بالائی‌ها بالاست که صدای «پرویز فتاح» رئیس بنیاد مستضعفان هم در آمده است. وی در برنامه «نگاه یک» درباره بازپس‌گیری مستغلات تحت تملک افراد "خاص" گفته است: "از دو رئیس جمهوری سابق تا سپاه پاسداران جزو بدهکاران زمین به بنیاد مستضعفان هستند".

«فتاح» در این برنامه و در چهارچوب جنگ و دعوای درونی، و نیز غضب زمین‌های مردم توسط سران حکومت ادامه داد: "حداد عادل یک زمین گرفته بودند تا در آن مدرسه بسازند و مدرسه فرهنگ خیابان فرشته را تخلیه کنند. این زمین سال‌های سال دست ایشان بود. این زمین ۸ هزار متر و در منطقه هروی است. ارزش آن بیش از ۴۰۰ میلیارد

تومان است". "یکی دیگر از املاک بنیاد مستضعفان هم در اختیار مرکز مطالعات و تحقیقات زنان و خانم «ابتکار» و «مولاوردی» و دیگران قرار داشت که قبل از من تخلیه شده بود، ولی «ابتکار» و «مولاوردی» بابت تخلیه ساختمان بنیاد مستضعفان به جای این که پولی بدهند، ۵ میلیارد تومان هم گرفته اند که اینکار تخلف است". "«احمدی نژاد» هم در حال حاضر در ملک بنیاد مستضعفان در منطقه ولنجک هستند که زمین آن ۱۸۰۰ مترمربع است. باید ملک بیت المال را پس بدهند".

رئیس بنیاد مستضعفان همچنین از واگذاری بخشی از املاک بنیاد به سپاه پاسداران خبر داد و گفت: "یکی از املاک خوب ما در منطقه جماران در دست سپاه ولی امر است. اما آن را به بنیاد پس نمی‌دهند و بنده را در این ملک راه نداده اند. این ملک بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان است و از آن استفاده هم نمی‌شود، اما به کجا شکایت ببریم و در حال حاضر بنیاد مستضعفان ده ها پرونده قضائی در قوه قضائیه دارد". پرونده هایی که از آن ارتش، قوم و خویش‌ها و نزدیکان «خامنه ای»، «حسن روحانی»، خانواده «هاشمی رفسنجانی» و صدها «آقا» و «آقازاده» ها است.

موارد فوق بخشی از فساد و بالا کشیدن اموال عمومی از سوی حکومت‌مداران و دولت‌مداران را شامل و از طرف رئیس یکی از ارگان‌های چپاول و غارت نظام وابسته جمهوری اسلامی منتشر می شود. این سوغاتی جامعه و مناسباتی است که سران حکومت حامی و مدافع آنند. جامعه ای که در آن میلیون‌ها توده دردمند در اثر بی سر پناهی و ناتوانی نیازهای اولیه زندگی جان شان را از دست می دهند؛ میلیون ها کودک به دلیل فقر دائم التزاید والدین‌شان از رفتن به سر کلاس‌ها باز مانده اند و نیز میلیون ها فارغ التحصیل در خیابان‌های ایران سرگردان اند. نظام جمهوری اسلامی به مدت چهل سال آزرگار مردم را در تله مرگ قرار داده است؛ چهل سال آزرگار است که به اصطلاح بنیادهای مردمی در کام حکومت مداران و دولت مداران رنگ و وارنگ گیر کرده است و در عوض جیب های مردم خالی و کودک ۱۱ ساله «شهرستان بر دستان» استان بوشهر - به نام سید محمد موسوی زاده -، "به دلیل نداشتن و ناتوانی در خرید گوشی هوشمند و یا تبلت" برای حضور یافتن در کلاس‌های درس مجازی اقدام به خودکشی می‌کند". مادر این دانش آموز به دستگاه های تبلیغاتی نظام گفته است که "مدرسه هم هیچ گونه کمک مالی به آن‌ها نکرده بود".

براستی عجب جامعه، فرهنگ و مناسباتی را نظام های سرمایه داری به جوامع متفاوت تحمیل کرده اند که کودک ۱۱ ساله، یگانه راه فرار از سختی ها و دشواری های دست ساز حاکمان را در خودکشی می بیند؛ عجب اوضاع بی‌رحمی را به کودکان و به کارگران تحمیل کرده اند که کارگر «شرکت میدان نفتی یادآوران» - به نام «عمران روشنی مقدم»، هم برای خلاصی از مشکلات فزاینده زندگی، و نیز به دلیل عدم پرداخت حقوق چند ماهه اش توسط کارفرمایان، در چاه نفتی (F19) خود را حلق آویز و جان خود را می‌گیرد. به طور قطع مسئولیت همه مصیبت ها و تلف شدن‌ها به گردن سران حکومت است؛ به عهده عناصر اندکی است که فکر و ذکرشان، دزدی و بالا کشیدن ثروت های جامعه است. عناصری که میلیاردها و میلیون ها تومان، دالر، یورو و غیره را در بانک های داخلی و خارجی تلبار کرده اند و در کاخ های مجلل به زندگی نکبت بارشان ادامه می دهند. ولی سوی مخالف، فاقد سرمایه برای سرپناه و گرم کردن خانه محقرش است.

جرثومه های فساد روز و روزگاری می خواستند پول نفت را به خانه های مردم ببرند؟ می خواستند گاز و برق را برای مردم مجانی کنند؟! نه تنها پول نفت را به در خانه مردم نبرده اند و گاز و برق را مجانی نکرده اند، بلکه بر قیمت آن‌ها افزوده اند و میلیون ها انسان رنج‌دیده را از دسترسی به گاز و برق محروم کرده اند. به طور مثال در چند روز گذشته محرومان بجنوردی به نبود گاز و نفت در این شهر دست به اعتراض زدند و یکی از آنان به دم و دستگاه های تبلیغاتی نظام می گوید: "نفت و گاز را به مردم فقیر نمی دهند و می گویند باید گازکشی و لوله کشی نفت بکنین. در

حالی که مردم فقیر این خطه توان مالی چنین کاری را ندارند. فقط تعداد معدودی از خانواده های پولدار و یا آقازاده ها هستند که لوله کشی گاز و نفت دارند".

دُرست است عده ای انگشت شمار، "آقا" و "آقازاده"ها و وابستگان به قدرت، مجاز به استفاده نفت و قادر به لوله کشی گاز به در خانه های شان اند. به این جهت که سرمایه های مملکت از آن محرومان بجنوردی و یا از آن کودکان و به ویژه کودک ۱۱ ساله تلف شده «شهرستان بر دستان» نیست. امکانات مملکت و فراگیری آموزش و تحصیل مختص به ثروتمندان و کودکان شان است و سازندگان اصلی جامعه و نسل های آتی محق به استفاده از آن ها نیستند. کار از آن کارگر است، اما محق به درخواست حقوق در ازای کارش نیست. چرا که خشت سیستم سرمایه داری با فساد حکومتی - دولتی، با کلاشی و با استثمار کارگران پی ریخته شده است و در این بین توده محروم، سکوی پرش "پیشرفت ها" و "ترقی های شان" به حساب - آمده و - می آیند. مگر دست درازی روزمره به سفره و کشیدن شیرۀ جان کارگران، علامت بی قراری طبقه حاکمه برای انباشت بیش از پیش سرمایه های مملکت نیست؟ در مقابل و مگر بی علت است که تجمعات اعتراضی کارگری و توده ئی نسبت به بی عدالتی ها و عدم پرداخت حقوق های معوقه شان، فضای جامعه را بلعیده است؟ همین چند روز قبل - در ۲۵ و ۲۶ آبان [عقرب] ۹۹ -، "شماری از کارگران «شرکت کشت و صنعت کارون» برای ۶مین روز متوالی، و نیز "جمعی از معلمان حق التدریس فنی و حرفه ئی نسبت به عدم تبدیل وضعیت استخدامی و معیشتی شان در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند". حقوق ۸۰ تن از کارگران «کارخانه صنایع بهداشتی ایران» را نداده اند و به مدت ۸ ماه است که کارگران «شهرداری سی سخت» به دنبال حقوق خود اند و یکی از کارگران شهرداری می گوید: "... از فروردین ماه [حمل] به بعد حقوق خود را طلبکارند و آخرین حقوقی که دریافت کرده ایم حقوق اسفند ماه [حوت] ۹۸ بود که شهردار حدود ۵ روز پیش به حساب کارگران واریز کرد". شهردار هم پیرامون حقوق معوقه کارگران می گوید: "... کاری به طلب ۸ ماهه کارگران ندارم. از وقتی که شهردار شده ام هر ماه حقوق کارگران را پرداخت کرده ام". همچنین و بنابه گفته شهردار «آبژان در استان خوزستان»، "۵۰ کارگر این شهرداری ۲۰ ماه است که حقوق معوقه دارند".

دردناک و تأسف بار است و نزدیک به ۲ سال حقوق کارگران «شهرداری استان خوزستان» پرداخت نشده است و کسی حاضر به مسئولیت پذیری حقوق های معوقه آنان نیست. کار بدون دستمزد به مختصات و به شاخصه های عریان نظام های سرمایه داری و به ویژه نظام وابسته جمهوری اسلامی تبدیل شده است. متأسفانه مشکلات و معضلات کارگران و کودکان و دیگر توده های ستمدیده یکی دو تا نیست و اگر بخواهیم به مرگ و میرها، صدمه دیدن کارگران در اثر عدم پرداخت دستمزدهای شان و ناتوانی در تهیه بدیهی ترین نیازهای زندگی، به فقدان وسایل ایمنی در حین کار، و نیز به خودکشی های دانش آموزان به دلیل تعصبات کُور، تعرضات فکری - عاطفی و یا عدم دسترسی آنان به تلفون های همراه برای ادامه تحصیل اضافه کنیم، آن وقت راحت تر می توانیم به عمق فاجعه دست سازی که سرمایه داران و حاکمان ایران مولد آنند، پی ببریم.

متأسفانه دشواری های زندگی مردم از یک طرف و تقسیم ثروت و غارت اموال عمومی جامعه میان حکومت مداران و دولت مداران و دیگر دار و دسته های شان از طرف دیگر، تصویر جامعه انسانی را به گونه ای دیگر رقم زده است. درد و عارضه در ایران فراوان است و فساد در ایران بیداد می کند. بنابه گفته "سازمان توسعه تجارت ایران، ۲۷ میلیارد ارز صادراتی به کشور باز نگشته است". در این رابطه «روح الله ایزدخواه» عضو کمیسیون صنایع مجلس هم گفته است: "از مجموع ۳۵۰۰ شرکتی که ارزهای صادراتی خود را باز نگردانده اند، ۷۵ شرکت "دانه درشت" عمدتاً دولتی و نیمه دولتی بیش از ۵ میلیارد یورو ارز را در اختیار گرفته اند و هنوز عودت نکرده اند".

جنگ رقابت بر سر سهم بری هر چه بیشتر ثروت‌های جامعه میان بالائی‌ها به راه افتاده است و در این بین سپاه پاسداران هم به عنوان یکی از ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی دست بالا در تصاحب ثروت‌های جامعه را دارد. بر اساس گزارشات و حرف و حدیث خودی‌های‌شان "قرارگاه خاتم الانبیاء وابسته به سپاه پاسداران تاکنون اجرای هزاران پروژه اقتصادی در ایران را به انحصار خود در آورده و از این راه سود کلانی به دست آورده ...".

البته همانگونه که در بالا آمده است تعرض به ثروت‌های جامعه، مختص به سپاه پاسداران نیست و همه در دایره غارت و فساد لنگر انداخته اند و به عنوان باندها و ارگان‌های گردن کلفت نقش مهمی در پایه ریزی سیاست‌های اقتصادی - سیاسی جامعه بازی می‌کنند که گوشه‌های هر چند کوچک آن در اثر اختلافات درونی به بیرون درز پیدا می‌کند. چند روز پیش روزنامه جمهوری اسلامی هم در چهارچوب تضادهای درونی نوشت: "در ایران، مافیای بزرگ همه تصمیمات دولت را بی اثر می‌کند و خنثی کننده همه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در داخل و خارج است و متأسفانه ما فقط با یک مافیا مواجه نیستیم، یک کنسرسیوم مافیا به جان این کشور افتاده که مایحتاج ضروری و معیشتی مردم را احتکار می‌کند و به هر قیمت که بخواهد می‌فروشد و با استفاده از امکانات تبلیغاتی گسترده‌ای که در اختیار دارد، قیافه حق به جانب و طلبکارانه هم می‌گیرد! بی‌رحمی‌های این «کنسرسیوم مافیا» هم شامل داروی ضروری بیماران می‌شود، هم غذا و هم هر چیز ضروری دیگر و حتی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی دولت".

با این حساب در جامعه‌ای که باندهای متفاوت فساد و غارت بر سرمایه‌های جامعه چنگ انداخته اند، معلوم است که جا و مکانی برای زندگی آرام و بدون دغدغه برای میلیون‌ها کارگر، زحمتکش و کودکان شان باقی نمی‌ماند؛ معلوم است که ابعاد مصیبت‌ها برای سازندگان و تولید کنندگان اصلی رو به افزون و جان بیشتری از آنان خواهد گرفت. در یک کلام فساد جز قانون و ذات نظام وابسته جمهوری اسلامی است. زنده و زندگی طبقه سرمایه داری با چپاول و غارت اموال عمومی و با استثمار کارگران مربوط است. پس جابه جایی آن هم، مربوط به به زیر کشیدن سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه است. ریشه دزدی‌ها و دریدگی‌های بیحد و حصر حکومتیان و دولتیان، سودجویان و ظالمان را نمی‌شود با طرح مطالبات بدون پشتوانه‌های حمایتی - عملی و به ویژه بدون ستراتیژی کمونیستی خشک‌اند. یگانه راه در برقراری پرچم عدالت‌خواه و برابرطلب کارگران و زحمت‌کشان است. تنها با تغییر شرایط کنونی است که می‌توان از مرگ و میر، بی‌سرنوشتی و بی‌حقوقی کارگران، زحمت‌کشان و از خودکشی کودکانی همچون کودک ۱۱ ساله بجنوردی جلوگیری کرد.

۲۱ نومبر ۲۰۲۰- ۱ آذر [قوس] ۱۳۹۹